

دانشگاه قم

و دانشگاههای دیگر ایران

آیا این همه مدرسه قدیم، دیروز پرورشگاه جمیع بزرگان علم و ادب ایران و هم اکنون دارای چندین مدرس فاضل و چندین هزار شاگرد طالب جاهد، با اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی ما آن قدر رابطه ندارد که وزارت فرهنگ و «دانشگاه طهران» را مکلف کند که بتحقیق بپردازند تا معلوم گردد که کیفیت تحولات گوناگون این دستگاه عظیم قدیم چیست و این جمع کثیر از هموطنان ما که در مدارس قدیم بتعلیم و تعلم مشغولند در چه حالند و بچه خیال و چه میخوانند و چه میدانند. چرا نباید گاه بگاه چند تن از ایشان را بکتابخانه ملی و عمارتهای نوساخت «دانشگاه طهران» و بکتابخانه های مدرسه حقوق و مدرسه طب و مدرسه علوم و بکارخانه ها و موزه ها دعوت و رهبری کنند تا حجره نشینان پیخبر از معجزات عام هم ببینند که جز از حجره نمناک غمناک پراز کیک و ساس و غیر از آب مضاف بدبوی حوض شکسته مدرسه و کتب حساب و نجوم و منطق و حکمت ناقص نیمه باطل بدچاپ متن گم گشته اندر حاشیه

چیزهای دیگر هم در این دنیا هست *علم جامع علوم انسانی*

باید رفت و آمد و دید و بازدید و جمیع روابط فرهنگی میان تمام دانشگاههای ایران برقرار باشد و آشنایان بعلوم و فنون فرنگی و علمی الخصوص کسانی که دانشگاهها و کتابخانه ها و موزه ها و سایر مظاهر تمدن جدید را چنانکه باید دیده اند خود مکلفند که از سر صدق و صفا و بسخن نرم هموطن خویش را، از هر طبقه و بهر لباس که باشد، راهنمایی کنند.

قسم نمیخورم چون بیقین نمیدانم ولیکن معتقدم که از کتب و رسائلی که بیول ملت ایران بوسیله وزارت فرهنگ و «دانشگاه طهران» و سایر وزارتخانه ها و دستگاها منتشر شده است تا امروز یک نسخه هم بکتابخانه مدرسه خان مروی یا مدرسه سپهسالار قدیم و مدرسه سپهسالار جدید یا بدانشگاه قم و اصفهان و شیراز و مشهد نفرستاده اند

چرا نپرسیم که چرا نفرستاده اند؟ مگر شاگرد و مدرس این مدارس قدیم مالیات پرداز و اهل این مملکت و هموطن وزیران و وکیلان و استادان ما نیستند؟ چرا نباید وزارت فرهنگ و در «دانشگاه طهران» لاقول دفترچه‌ای باشد حاوی نام و نشان هر نابخوانه قدیم و هر مدرس و مجتهد ایرانی تا از کتبی که با پول مالیات پرداز ایرانی چاپ شود گاهی نسخه‌ای هم بدست مستحقی برسد و مطمئنم که هیچیک از کتب، علی‌الخصوص کتابهایی از قبیل تاریخ بیهقی و کتاب التفهیم ابوریحان بیرونی و اساس الاقتباس خواجه میرالدین طوسی و درة التاج قطب‌الدین شیرازی و لغت نامه دهخدا راهیج کتابدار مدرسه قدیم و مدرسی و مجتهدی پس نخواهد فرستاد.

اما بحکم انصاف باید گفت که تقصیر يك جانبه نیست. طلاب حقیقی معرفت نیز رد باید کنجکاو باشند و کتاب خواه و کتاب خوان و علم دوست. وزارت فرهنگ و دانشگاه طهران هم برای کتاب فرستادن و کناره جوئی عذری و بهانه‌ای دارند. می‌کنست این دو اعتراف کنند و بگویند که ما قصور ورزیده ایم و غافل بوده ایم، نه کتابی فرستاده م و نه کسی و نه بتحقیق اوضاع و احوال مدرسه های قدیم پرداخته ایم و از کرده و کرده پشیمانیم ولیکن مطالبی داریم که باید از دانشمندان و مجتهد و فقیه و ادیب و مدرس شاگرد مدارس قدیم پرسیم: مگر ایران وطن ایشان نیست؟ پس چرا هیچیک از این جمع تا امروز نه بما کاغذی نوشته و نه از ما کتابی یا لاقول فهرستی خواسته و نه دستگاه جدید فرهنگی وطن خود توجهی کرده است؟ باید معترف بود که جواب دادن چنین سؤالی بسیار مشکلت.

طالبان علم و عالمان دین همه باید خواهان آشنائی با علوم و ادبیات جدید تشنه حقایق و معارف از هر نوع باشند و بحکم آنکه آدمی نیز آفریده خداست اکتشافات اختراعات بشری را هم از آثار صنع الهی بشمرند و برایشانست که در این هیچ شك نکنند که اسلام در دنیا پاینده بمسلمانست و درجه عزت و ذلت هر دین مربوط و متناسب با درجه تمدن معتقدان و پروردگان محیط و آداب و رسوم آن. اگر در این باهم متفق باشیم که عظمت اسلام موقوفست بزرگی مسلمانان پس بر علمای دین ما واجبست که بقدر وسع

خود - ولا يكلف الله نفساً الا وسعها - وسائل و مقدمات پیشرفت معنوی مسلمانان ایران را فراهم آورند و بموجب حدیث طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة بصدر حکم و جوب آموختن خواندن و نوشتن بر هر ایرانی مسلمان، زبان بدگویان را ببندند تا خرده گیران و طاعنان دیگر نگویند که بزرگان دین، در ایام معجزات علم هم، ایرانیان را بیچاره میخوانند و نادان و غافل و دست بوس و مرعوب علم فرنگی، گرفتارانی مایوس، پریشان فکرائی مبهوت.

مطلبی دیگر که باید صادقانه با مدرسه های قدیم در میان گذاشت اینست که چرا تا چندی پیش که حل و فصل جمیع دعاوی و مسائل حقوقی و جزائی با فقیهان و مفتیان و قاضیان بود مدارس قدیم غیر از فقیه و مفتی و قاضی علما و فضالی متبحر در شعب علوم و فنون نیز بسیار میرورد ولیکن از آن روز که در ایران اصول قوانین فرنگی را کم کم اقتباس کردند و مطالب و مسائل مربوط بنکاح و طلاق و ارث هم، ماده بماده، در قانون مدنی مدون گشت و رئیس محضر بی عمامه شد و دست فقیه را از هر کاری غیر از مسأله گوئی در باب عبادات کوتاه ساختند فقه و مقدمات رتوابع و لواحقش را در این مدرسه های قدیم محور دروس کرده اند و بعلم و ادب چنانکه باید توجهی ننمایند؟

جواب اینست که امروز دانشگاههای قدیم ما، بخلاف ایام قدیم، درهای خود را بروی معارف بسته اند و چنان مینمایند که طلاب و حتی صدر نشینان مجالس درس و بحث و تحقیق، معلم و مدرسه و مجتهد، همه از این نکته غافلند که گریختن از تمدن جدید و نادیده انگاشتنش يك آن هم مانع پیشرفت علوم و فنون نیست. کسانی که ایرانی پاکند و غمخوار اسلام باید بدانند که وقت در گذرست و مسلمان بیخبر و اسلام در خطر. در ایامی که حجاج ایرانی با طیاره از مکه می آیند و طلاب قم با اتوموبیل بمشهد میروند و حجره مدرسه نیز بجراغ برق روشنست نه بشمع و پیه سوز، بوده را نابوده نشاید گرفت و معجزات علم را منکر نباید شد.

پس راهی باید رفت که مصحلت دین و ملک و ملت در آن باشد و این طریق، مطالعه کتابهای علمی ناقص کهن و خواندن مطلبی چند از دریای کتب فرنگی، تعریب

یعنی تحریف نوشته فرنگی بدست مترجم عراقی و لبنانی و شامی و مصری، نیست. پیشرفت حقیقی دانشگاههای قدیم موقوفست بیک همت مردانه بزرگان دانشمند خردمند غمخوار ایران و اسلام که نقصها را ببینند و همه را بتدبیر و تدریج از میان ببرند و یقین دارم که اگر در اوضاع و احوال امروزی مدارس قدیم و ایران و عالم بچشم حقایق شناس امعان نظر کنند باین نکته خواهند رسید که چون بحکم ضرورت وضع قانون و اجرای آن وحل و فصل جمیع دعاوی حقوقی و جزائی بدستگاههای دیگر محولست بفتوای عقل هم دانشگاههای قدیم امروز نباید تنها فقیه پرور باشد.

تا بیست سی سال پیش، این جدائی که اکنون میان پروردگان مدارس قدیم و آشنایان بعلم و فنون جدید و اعیان و اشراف و خواص ایران هست هیچ نبود. امروز غیر از طلاب علوم دینی یک تن از افراد این ملت بمدرسه قدیم پانمیگذارد و باشاگرد و مدرسش کاری ندارد و بمسجد هم کسی نمیرود الا پیر زن و پیر مرد فقیر عاجز و بیوه زن بینوا و کاسب بی بضاعت. هشتی از خواص دوروی بداعتقاد وقت شناس خدا شناس نیز که یک روز همدست دشمنان فقها و روز دیگر دست بوس فقیهانند اگر گاه بگاہ بمسجد یا بخانه فقیهی بروند برای تجاب منافع مادیت که کسب حقایق معنوی. واقفان بر موز و دقایق امور عالم و آشنایان بعظمت و قدرت علوم و فنون جدید و معتقدان بلزوم اتفاق جمیع طبقات این ملت و دینداران، نه دین فروشان، همه باید بمسائل و مشکلات دانشگاههای قدیم که مبلغی مهم از وقت و پول و فکر و ذوق ایرانی در آنها خرج میشود هر چه زودتر و هر چه بهتر توجه کنند تا معلوم گردد که آیا صلاح کار در آنست که این وضع و حال بماند و این چراغ کم روغن کم نور که هنوز هم میسوزد در هر مدرسه قدیم بمیرد یا آنکه این دستگاه را باید نگاه داشت و مدرسه های عالی دیگر را بآن ملحق کرد بطریقی که دانشگاه قدیم از علوم و فنون جدید نیز بهره مند باشد. اصلاح دانشگاههای قدیم واقعه ای خواهد بود بسیار مهم و مبدأ تحولی عظیم و مؤثر در اوضاع اجتماعی ایران، اما چنین کاری خطیر را سهل و ساده نباید پنداشت چرا که این اصلاح، هم بواسطه اهمیت و عظمت و تأثیرش، تدبیر میخواید و اراده

و شجاعت و علاقه پیشرفت حقیقی این سر زمین و نکته آنست که بخلاف تصور کوتاه نظران هر اصلاح لازم که ببقای مدارس قدیم مددی برساند موافق مصلحت اسلامست و ایران.

شک نیست که از طریقه تعلیم و تعلم و از سنن و رسوم مدارس قدیم آنچه خوبست و مفید از قبیل تعمق در الفاظ و معانی و مطالعه و مذاکره و بحث دائم و تلقین و تکرار و حجره نشینی و یکدله بتحصیل علوم پرداختن و مفتون جذبات و لذات علم شدن و بقصد کسب فضائل بشهرهای دور سفر کردن همه را حفظ باید کرد. اما آنچه واجبست و ضروری تغییر بست اساسی در طریقه تحقیق و تتبع و انتخاب کتاب و علی الخصوص در روش تدریس علوم و فنون، خلاصه، نهضتی باید که باین دانشگاههای فراموش شده نیمه جان روحی تازه بدهد.



نابوده انگاشتن عظمت و قدرت تمدنی که دنیا امروز مسخر آنست برسید علی و شیخ حسن هم حرامست چرا که همدانشان ساخته ماشین فرنگیست و کاغذ کتابشان و پارچه پیراهن و زیرجامه و شلوار و قبا و عمامه شان و قند و چایشان و ساعت و قبله نمای و عینکشان و بحثشان نیز شب هنگام در باب تعارض ادله و قیاس و استصحاب در نور چراغ برقست نه در روشنائی ضعیف پیه سوز و شمع.

هر که اسلام را مخالف علم جلوه دهد و آنکه بنوشته یا بگفتار و کردار خویش مانع پیشرفت مسلمانان شود بدین محمد خیانت ورزیده است. بموجب کدام آیه قرآن تتبع در علوم و فنون از محرمانست؟ خبری یا حدیثی معتبر و حتی نامعتبر که تألیف و ترجمه و تصنیف رساله و کتاب را در باب اوضاع و احوال ملل و نحل و تاریخ و جغرافیای قلمرو اسلام و ممالک مجاور آن مکروه شمرده باشد از که مرویست و در کجاست؟ گفته کدام يك از بزرگان اسلامست که بیخبری طلاب علوم دینی از تاریخ جنگهای صلیبی و سلطنت هشتصد ساله اسلام در اندلس و اوضاع و احوال مسلمانان قفقاز و ترکستان و چین و فیلیپین و آلبانی از مستحباتست؟ یکی از ارکان قوم ترقیات جدید ریاضیاتست که هر شعبه اش پیشرفت عجیب کرده و بسط عظیم یافته ولیکن هیچ معلوم نیست که شاگرد

و استاد دانشگاههای قدیم ما بچه عذری و بهانه‌ای و باستناد بکدام آیه و حدیث و خبری باید شیخ بهائی را خاتم علمای ریاضی عالم بشمرند و نام دوتن از جمع کثیر بزرگان این فن را هم نشنیده باشند؟ آیا بحکم این کلام بزرگ که «من عرف نفسه فقد عرف ربه» از مطالعه کتب راجع بمعرفة النفس گریزانند؟ تنظیم و تدوین اخبار و احادیث مطابق روش جدید تتبع و تحقیق، نوشتن رساله و کتاب مختصر و مفصل، يك موضوعه و چند موضوعه، در باب هزاران واقعه و مطلب و شخص و شهر، همه مربوط باسلام و مسلمانان، تغییر کتب صرف و نحو و منطق و حکمت و نجوم و ریاضیات، آشنا شدن با طریقه تعلیم و تعلم امروزی که کار شاگرد و استاد را آسان کند، تألیف دانشنامه - دائرةالمعارف - اسلامی با هر کتاب مفید دیگری چه گناه دارد و کم گرفتن فارسی، زبان ملی ایران، و بی اعتنائی با مورعالم و باوضاع و احوال وطن و هموطن خود چه ثواب؟ اما از جاهل غافل بدتر نیز هست و او آن ساده لوحیست که لغتی و اصطلاحی چند، درست و نادرست و متعلق بدوسه موضوع از هزاران موضوع علمی و فنی جدید را بی ربط و بیجا با اصطلاحات علوم و فنون ساده ناقص کهن و چهار پنج جمله عربی و دوسه لغت فرنگی می آمیزد و چنان میپندارد که باین طریق خلائق در علوم جدید و قدیم متبحرش خواهند شمرد و بیچاره خود فریب نمیدانند که حافظ قرآن، استاد غزل سرایان ایران، هم در حق او و امثال او گفته است که:

ای مگس حضرت سیمرغ نه جولانگه تست عرض خود میبری و زحمت ما میداری

ناتمام

از آقای دکتر علی اصغر حریری

ابرو دود

که عنوان خرد رانه میزان بود	کمال کسان را بعنوان مسنج
بنا حق بخود بستن آسان بود	چو قدر از لقب زاید، القاب قلب
اساتید نادان فراوان بود	بشهری که استادی از فضل نیست
دو تن گر برابر بعنوان بود	برابر نباشد بفرهنگ و هوش
که آن هر دو بر چشم یکسان بود	نبینی باوج هوا دود و ابر
دگر مژده آب و باران بود	یکی زاده آتش است و حریق
که بیند بذات این جدا از آن بود	نظر باید و دیده معرفت
و زاین چهره ورد خندان بود	از آن دیده مرد گریان شود